

چرا اسلام برای شوروی خطر است؟

● ترجمه: دکتر احمد احمدی

مسلمانان شوروی با تمام تلاشی که برای تبلیغات الحادی در مورد آنها می شود همچنان مقاومت می کنند، مقاومتی سرسختانه



مقالات جاری و گزارش مطبوعات نشان می دهد که در نواحی وسیعی تعداد مسلمانانی که برای عبادت در مساجد حاضر می شوند به طور گسترده ای در حال افزایش است و نه تنها در نواحی مسلمان نشین شوروی بلکه می گویند با وجود تلاشهای گسترده و مخصوصی که از طرف مقامات برای الغاء مراسم ماه رمضان - روزهی بزرگ اسلامی - به عمل می آید، مسلمانان شوروی این ماه را بخوبی مراعات می نمایند، همه اطفال را همچنان مطابق سنت اسلامی ختنه می کنند، و ازدواج ها را طبق رسوم دیرینه خود جشن می گیرند. همچنین عالم مذهبی در مراسم تشییع و دفن اموات حضور دارد. روزنامه داغستان به نام «پرچم لنین» منتشر می شود از «بقایای گذشته» که بر انداختن آنها از میان زنان مسلمان دشوار است شکایت می کند! و مخصوصاً به مراسم ازدواج که طبق «شریعت» انجام می گیرد اشاره می کند. این روزنامه به عنوان شاهد چند نمونه از همسران جوان را ذکر می کند که بعد از ثبت ازدواج در محاضر رسمی، برای مراسم دینی هم پیش عالم خودشان می روند!

مطبوعات پرده از پیشرفت جدید و جالب توجهی برداشتند که نشان می‌دهد حیات مجدد اسلام بیش از حد انتظار بوده است، زیرا روحانیونی که در مساجد فعالیت می‌کنند، به‌رغم منع انتشار ادبیات دینی هم اکنون به‌نشر این ادبیات پرداخته‌اند. ظاهراً از لحاظ مالی کمبودی وجود ندارد؛ يك روزنامه روسی می‌نویسد:

چون وسایل مورد نیاز مساجد فراوان است توزیع فتوکی‌های متون دینی بصورت مشکل و منظمی درآمده است. (۱) و: «در یکی از مساجد مسکو علمای دینی ترجمه‌های قرآن را پخش می‌کنند (۲)

در نتیجه تغییر اوضاع سیاسی و اقتصادی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی، سکنه این جاها نمی‌توانند بسیاری از قوانین «شریعت» را مراعات کنند. روستائینی که در مزارع اشتراکی و دولتی کار می‌کنند، مجاز نیستند برای انجام مراسم دینی روزانه، یعنی نمازهای پنجگانه کار خود را متوقف سازند، وضع کارمندان ادارات هم همینطور است.

با این همه، قابل تذکر است که علی‌رغم الفاء «زکات» یا مالیات واجب دینی باز هم روحانیون مسلمان ظاهراً کمک‌های فراوانی از مسلمانان برای انجام فعالیت‌های دینی دریافت می‌دارند. البته هنوز هم موانع زیادی بر سر راه فرهنگ اسلامی و سنت قرآنی وجود دارد، زیرا دانشکده‌های علوم الهی بسیار معدودی باقی مانده و الفبای اسلامی که در ۱۹۳۰ جای خط و کتابت عربی را گرفت، در قطع پیوند نسل جوان با ادبیات اسلامی تأثیر بسیار بارزی داشته است. از مسلمانان شوروی فقط گروه‌های کوچکی به زیارت مدینه و مکه (حج) می‌روند و وقتی که همین گروه‌های کوچک بازمی‌گردند، خبرگزاری «تاس» از این فرصت برای نشر اغراض سیاسی استفاده می‌کند. تعداد زائران هرگز گزارش نمی‌شود اما ظاهراً بین ۲۰ تا ۴۰ نفر در نوسان است!

* * *

از مطالب بالا بدست می‌آید که تبلیغات الحادی شوروی در مسلمانان این کشور تأثیر مورد نظر نداشته است و آنها در برابر این تبلیغات واکنش بی‌تفاوتی نشان داده‌اند. اطاعت از قرآن و احکام آن که از دیرباز در اعماق وجودشان سرشته شده است هنوز هم با وضوح تمام مشهود است، هر چند همه مسلمانان اهل عمل، اعتقاد جازم و قطعی ندارند، بسیاری از آنها مراسم دینی را برای این مراعات می‌کنند که از جرگه مسلمانان خارج نباشند.

گزارش همین مطبوعات حاکی است که تبلیغات الحادی، حتی غالباً در میان مسلمانان جوان اثر ناچیزی داشته است، مثلاً در گزارشی زیر این عنوان که «در ناحیه ما ملحد بودن کار دشواری است» یک پیدلائف». از کنفرانسهایی شکایت می کنند که از ابتدا قرار باشد ملحدان در آنها حاضر شوند، آنها که به خدا معتقدند از اعتقاد خود دست بر نمی دارند (۳).

بنابراین در مورد مرتدان زیاد تبلیغ می شود. و مطبوعات اعلام خطر می کنند که نمی توان انتظار داشت اسلام زودتر از ادیان دیگر خود بخود محو شود و برای تسریع در نابود ساختن آن با اصرار تمام می خواهند که هر یک از اعضاء اتحادیه کمونیست جوان دعوت شوند تا به صورت یک ملحد مبارز به یک جبهه متحد حمله کنند (۴).

با این همه گزارشهایی که توسط دبیر اول های احزاب آذربایجان، از بیکستان و ترکمن داده شده، و شواهد فون از آنها نقل شده، شاهد زنده ای بر نتایج منفی تبلیغات الحادی علمی را مرتب مورد بحث قرارداد و از میزان تأثیر و انطباق آنها با هدف مطمئن گردید، سپس ادامه داد که کمیته مرکزی حزب آذربایجان تا کنون برای مبارزه با دین در این جمهوری، تدابیر زیادی اتخاذ کرده است مانند انتشار مقادیر کتاب و کتابچه در باب الحاد علمی، و ترتیب دادن کنفرانسها و بحث و گفتگوهای شبانه. در عین حال خود او اعتراف کرد که: «در بسیاری از جاها هنوز هم با تبلیغات الحادی علمی روی خوش نشان نمی دهند. (۵)

رشیداف (از بیکستان) افساء کرد که «بقایای دینی هنوز زنده است: و باید علیه آنها یک مبارزه دائمی به راه انداخت علی رغم این واقعیت که «حزب» سالها است با اسلام مبارزه می کند، اسلام هنوز هم به نفوذ خود در مسلمانان از بیکستان ادامه می دهد، برای تصفیه این «بقایا» یک شورای علمی علنی و مبنی بر روش شناسی در از بیکستان بوجود آمده است که اعضاء آن مرکب است از کارشناسان برجسته، معلمین موسسات آموزش عالی، اعضاء حزب و نمایندگان شوروی و سایر سازمانهای عمومی که وظیفه آنها ترتیب دادن کارهای ضد دینی در سرتاسر جمهوری است.

دبیر اول حزب ترکمن ب. اوزوف نیز از گسترش فعالیت های غیر قانونی علمای دینی در تعدادی از مراکز «شکایت داشت و همچنین از کمیته های «حزب» در نواحی متعدد، گله می کرد که فعالیت خود را فقط به تشخیص این موارد محدود می کنند و در اقدامهای مؤثر، منظم و کاملاً حساب شده علیه آنها کوتاه می آیند. (۷)

از یادآوریهای فوق بدست می آید که سازمانهای محلی «حزب» عملاً از تلاش خود برای رسوخ دادن تبلیغات العبادی در میان مسلمانان دست برداشته است. در پرتو مطالب فوق ممکن است کسی دوسئوال را مطرح سازد:

* * *

۱- چه عواملی رهبران شوروی را وادار می کند که این همه بکوشند تا اسلام را به عنوان يك دين، بی اعتبار نشان دهند؟!

۲- روش سرسختانه ای را که مسلمانان شوروی در وفادار ماندن به دین، سنن و رسوم خویش دارند، چگونه می توان توجیه کرد؟

در جواب سئوال اول، مطبوعات شوروی می گویند که بقایای دین، بنای جامعه کمونیست را متزلزل می سازد. در مقدمه ای که در شوروی بر ترجمه روسی کتاب «اسلام» نوشته «هانری ماسه» نوشته اند، گفته شده است:

«پروان هر دینی (از جمله مسلمانان) نه تنها وقت خود را در مراسم دینی بیهوده هدر می دهند (*) بلکه این را هم می پذیرند که حیات واقعی این جهان چیزی جز نمودی از حیات بعد از مرگ نیست. بهمین جهت يك فرد با ایمان نمی خواهد خود را یکسره وقف کار برای پیشرفت بیشتر اجتماعی کند که در آن زندگی می کند. تعطیلات دینی ذهن او را از تلاش سازنده منصرف کند و دادن صدقات و کمکهای مالی به نفع روحانیت برای کارگران زیان مالی دارد» (۸)

از جمله کارهایی که باعث صرف پول و وقت می شود و در این مقدمه به آنها اشاره شده است، زیارت اماکن متبرکه (مزارها) و اشکال دیگر زیارت است. اما مهم ترین علتی که در ورای این جنگ تبلیغاتی سرسختانه ی ضد دینی وجود دارد، همانا تلاش برای نابود ساختن احساس وحدت ملی مسلمانان در اتحاد شوروی است که از طریق روسی ساختن تدریجی آنها و اسکان دادن غیر مسلمان نشین و مانند اینها صورت می گیرد!!

ایمان مسلمین ریشه در یک سنت بسیار کهن دارد و بنابراین سنگ راه سیاستی است که می خواهد فرهنگ «شوروی» واحد و شیوه حیاتی بوجود آورد که همه اختلافهای ملی

(*) در گردشگاهها چگونه؟ در تماشای فیلمهای پیش با اقتاده سینما و نمایشهای مبتذل

تلویزیون چگونه؟ اگر کسی ساعات مقرر کار خود را انجام داد در صرف بقیه اوقات خویش آزاد است که آن را صرف خواستهای خویش سازد اما از فرار معلوم در شوروی گذراندن وقت فراغت هم باید زیر نظر حزب باشد. - م

در آن محو و ناپدید گردد. مسلمانان نه فقط اسلام را وحی « الله » از طریق پیامبر بلکه همچنین آن را جزء « اندامواره‌ای » از شعور و وجدان و فرهنگ ملی خویش می‌دانند.

حادثه‌ی زیر که در مطبوعات قرقیز منعکس شده است نمونه‌ای از این وضع را بدست می‌دهد: یکی از اهالی قرقیز که کاندیدای علوم تاریخی بود در بخش فلسفه دانشگاه کنفرانس می‌داد، هنگامی که در یک مزرعه اشتراکی واقع در قرقیز مشغول دادن کنفرانس خود دینی بود، کارگر جوان مزرعه از او پرسید: آیا تو مسلمانی؟ سخنران پاسخ داد: نه، من ملحدم یعنی آدم منکر خدا که به هیچ دین و خدایی معتقد نیست. سپس همین که با بی‌صبری به کارگر گوش فرا می‌داد کارگر جوان از روی تعجب پرسید: «چطور جرأت می‌کنی خودت را ملحد بنامی؟ همین قدر که اهل قرقیز باشی مسلمانت می‌کند» به عبارت دیگر همین که کسی عضو ملیتی بود بدین معنی است که باید خود بخود پای بند اسلام باشد! (۹)

یک مورد بسیار جالب توجه دیگر این گفته را تأیید می‌کند: مطبوعات داستان ملحد مورد اعتماد را نقل می‌کنند که سخنرانیهایش ملاحی نواحی دور افتاده را به وحشت می‌انداخت با این همه وقتی مرد روستائیان او را با مراسم رایج مسلمین دفن کردند و همان ملاحی که او به آنها دشنام می‌داد در عزای وی شرکت کردند. (۱۰)

کنفرانس ایدئولوژیکی دوشنبه (مرکز مزبور) به این نتیجه رسیده است که اسلام برای شوروی خطری است زیرا حس جدایی ملی در میان مردم تریزق می‌کند و رسول اف دیر اول حزب تاجیک در کمیته مرکزی این حزب گفت که روحانیت مسلمان از احساسات مردم استفاده می‌کند و به برادری آنها ضربه می‌زند. (۱۱) در کنفرانس مشابهی در مخاداج کالا رئیس «بخش تبلیغات و بیدارسازی کمیته منطقه‌ای حزب داغستان» تأکید کرده که «بقایای دینی مانع تحکیم برادری ملت‌ها است»!! (۱۲)

در پاسخ به این پرسش که چرا مسلمانان شوروی هنوز هم به دین خود وفا دارند ممکن است کسی علت امر را رسم راسخ و تأثیر نیرومند خانواده به عنوان حافظ سنت و رمز اخلاق اسلامی بداند. نسل جوان هنوز هم خیلی بیشتر از آن که تبلیغات الحادی دولت در وی اثر کند تحت تأثیر پدر و مادر واقع می‌شود. عامل نیرومند دیگری هم هست و آن اراده مقاومت در برابر تلاشهایی است که از طرف مقامات دولتی برای درهم شکستن آگاهی و وجدان ملی مسلمانان بعمل می‌آید. این جا است که پیروان اسلام احساس می‌کنند که اسلام تنها یک دین نیست بلکه ماهیت و جوهر کامل میراث فرهنگی و ملی آنها است.

- ۱- «بعد از نین» ۱۴ آوریل ۱۹۶۵
- ۲- کسمل مسکو ۲۹ اکتبر ۱۹۶۴
- ۳- پروادای شرق ۲۶ نوامبر ۱۹۶۲
- ۴- پروادای کسمل ۲۵ فوریه ۱۹۶۴
- ۵- باکین سکی رابوچی ۲۵ فوریه ۱۹۶۶
- ۶- پروادای شرق ۴ مارس ۱۹۶۶
- ۷- اخگرترکمن ۲۵ فوریه ۱۹۶۶
- ۸- ا. ماسه «اسلام» مسکو ۱۹۶۳ به مقدمه یده بلایانا صفحه ۴ مراجعه شود.
- ۹- قرقیزشوروی ۹ ژانویه ۱۹۶۶
- ۱۰- الاتوشماره ۷- ۱۹۶۵ صفحه ۱۰۷
- ۱۱- تاجیکستان کمونیست ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۳
- ۱۲- فوهرسی فیلسوفی شماره ۵- ۱۹۶۱ صفحه ۱۵۹

پرستی هستند.

دخالت : ادامه انقلاب
ولی به تمام این گروهها باید گفت اگر
خبرندارید بدانید معیط بکلی دگرگون شده،
ورق برگشته ، و اگر طرز فکر خود را عوض
نکنید دهر با زود زیر چرخهای انقلاب
خورد خواهید شد!

نشانه ستمگر!

للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصية و
من دونه بالغلبه ویظاهر القوم الظلمه
افراد ستمگردارای سه نشانه اند : نسبت به مانوق نافرمانی و با زیر
دستان با قدرت رفتاری کنند و یا ورستکارانند .
نهج البلاغه قصار ۳۴۲